

ارتباط زبان‌های ترکی و مغولی و خطا در تشخیص واژه‌های دخیل ترکی و مغولی در زبان فارسی^۱

مهدی رضائی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۰۲

چکیده

زبان‌شناسان، اغلب، زبان‌های دنیا را در قالب خانواده‌های بزرگ زبانی تقسیم بندی کرده‌اند. در مورد پیوند زبان‌های ترکی و مغولی دو دیدگاه متفاوت وجود دارد؛ یکی از دیدگاه‌ها، بیانگر هم‌خانواده بودن این دو زبان بوده و دیدگاه دیگر، با نپذیرفتن نگرش نخست، به پیوندی بین‌زبانی میان این دو زبان معتقد است. پیروان دیدگاه نخست، بر این باورند که دو زبان ترکی و مغولی در گذشته‌های دور از یک زبان واحد منشعب شده و به مرور زمان به صورت دو زبان مستقل، پدیدار شده‌اند. پیروان دیدگاه دوم، نیز معتقدند که دو زبان ترکی و مغولی خویشاوند نبوده، بلکه پیوند عمیقی با یکدیگر داشته‌اند. با نگاهی به فرهنگ لغت‌های فارسی، درمی‌یابیم که گاهی فرهنگ‌نویس‌های ایرانی، در

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2018.15295.1333

^۲ دکترای تخصصی زبان و ادبیات ترکی، گروه زبان و ادبیات ترکی استانبولی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی؛ mehdirezai@atu.ac.ir

شناسایی واژه‌های ترکی و مغولی دچار اشتباه گردیده‌اند. این مقاله، بر آن است تا پیوند میان زبان‌های ترکی و مغولی را به طور کلی بررسی کرده و میزان تفاوت این دو زبان را از جنبه‌های گوناگون نشان دهد.

واژه‌های کلیدی: زبان ترکی، زبان مغولی، ارتباط زبان ترکی و مغولی، واژه‌های دخیل ترکی و مغولی در فارسی

۱. مقدمه

زبان‌شناسان، اغلب، زبان‌های دنیا را در قالب خانواده‌های بزرگ زبانی تقسیم بندی کرده‌اند. در بیشتر موارد، خویشاوندی میان زبان‌های یک خانواده زبانی، به اثبات رسیده و تشابه واژگانی و دستوری در این زبان‌ها به وسیله بسیاری از پژوهشگران تأیید شده‌است. برای نمونه، امروزه در پیوند با خویشاوندی زبان‌های سامی^۱ شبه‌ای وجود ندارد. اما در برخی موارد، فقط از نظریه زبانی سخن به میان آورده شده‌است و در مورد هم‌ریشه بودن زبان‌های آن گروه زبانی تردید وجود دارد. زبان‌های آلتایی از گروه‌های بزرگ زبانی است که درباره هم‌خانواده بودن اعضای آن اختلاف نظر وجود دارد. این گروه زبانی، شامل زبان‌های ترکی، مغولی، تونگوزی-مانچویی^۲ (به باور برخی زبان‌شناسان زبان‌های دیگری همچون زبان کره‌ای و ژاپنی را نیز می‌توان جزء این گروه به شمار آورد). هستند. در مورد زبان‌های آلتایی دو دیدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد. نخستین دیدگاه، این دو زبان را بر پایه نظریه زبان‌های آلتایی هم‌ریشه و هم‌خانواده می‌پندارد. دیدگاه دوم نیز بر این پایه استوار است که این دو زبان متعلق به یک خانواده زبانی نبوده و هر یک زبانی مستقل هستند. بر مبنای دیدگاه دوم، زبان‌های آلتایی در گذشته تبادل‌های واژگانی داشته‌اند. بر این اساس، موضوع پژوهش حاضر که در پیوند با ارتباط زبان‌های ترکی و مغولی است، باید در راستای نظریه اشاره‌شده، مورد بررسی قرار گیرد. به منظور روشن شدن هر چه بیشتر موضوع، به مرور دو دیدگاه یادشده، می‌پردازیم.^۳

^۱ semitic languages

^۲ زبان‌های تونگوزی - مانچویی امروزه در مناطقی از سیبری و چین رایج است. شاخه شمالی آن تونگوزی (زبان رسمی ایالت اونکی در روسیه) و شاخه جنوبی آن مانچویی (زبان منطقه مانچوریا در چین است) است. زبان مانچویی یکی از زبان‌های در حال مرگ است، امروزه تعداد محدودی به این زبان سخن می‌گویند.

^۳ نمونه‌های مورد بررسی در پژوهش حاضر، از آثار پژوهشگران مختلفی از جمله (Abullayev, 1987)، (Atalay, 2006)، (Clauson, 1962)، (Caferoğlu, 1954)، (Doerfer, 1980)، (Ercilasun, 2008)، (Giil, 2015) و (Lessing, 2003) و (Poppe, 2016) استخراج شده‌اند.

۱. ۱. دیدگاه نخست (نظریه زبان‌های آلتایی)

نظریه زبان‌های آلتایی، اصطلاحی است که بر پایه آن ادعا می‌شود زبان‌های ترکی، مغولی، تونغوزی-مانچویی، کره‌ای و ژاپنی خویشاوند هستند. این نظریه، در ابتدا زبان‌های ترکی، مغولی و تونغوزی-مانچویی را در بر می‌گرفت اما به مرور زمان، دو زبان کره‌ای و ژاپنی نیز جزء زبان‌های آلتایی به شمار آمدند. یکی از بزرگترین پشتیبان‌های این نظریه، گوستاو جان رامستد^۱ زبان‌شناس بزرگ فنلاندی است. در واقع، رامستد را مبتکر نظریه زبان‌های آلتایی به شمار می‌آورند. اگر چه، وی در ابتدا در پیوند با وجود زبان فرضی آلتایی تردید داشت، اما پس از یافتن شباهت‌های زبانی بین ترکی و مغولی، از پیروان سرسخت نظریه زبان‌های آلتایی شد. رامستد، بین زبان ترکی و مغولی به دو همسانی مهم پی برد. این همسانی شامل همخوان‌های «ز ~ ر» و «ش ~ ل» بود. به این معنا که در برخی واژه‌ها، معادل همخوان /ز/ در زبان ترکی صامت /ر/ در مغولی است و همچنین همخوان /ش/ در ترکی همسان است با همخوان /ل/ در زبان مغولی. این همسانی مهمترین دلیل پیروان نظریه زبان‌های آلتایی، برای ارائه نظریه مورد اشاره است. نکته قابل توجه در این زمینه، وجود همین اشتراک مابین ترکی چوواشی^۲ و دیگر شاخه‌های ترکی است. رامستد، زبان‌های آلتایی را به شکل نمودار (Tekin, 2003, p. 77) زیر نشان داده‌است.



شکل ۱: نمودار زبان‌های آلتایی گوستاو جان رامستد

نیکولاس پوپه^۳ زبان‌شناس آلمانی تبار آمریکایی، یکی دیگر از پیروان نظریه زبان‌های آلتایی است. وی با نگارش آثار ارزشمندی^۴ در این زمینه نقش بااهمیتی در اثبات نمودن نظریه زبان‌های آلتایی

^۱ Gustaf John Ramstedt

^۲ ترکی چوواشی به عنوان نخستین شاخه جدا شده از مجموع زبان‌های ترکی شناخته می‌شود. به بیانی، تفاوت بین چوواشی و ترکی ترکیه بسیار بیشتر از تفاوت بین ترکی ازبکی و ترکی ترکیه است.

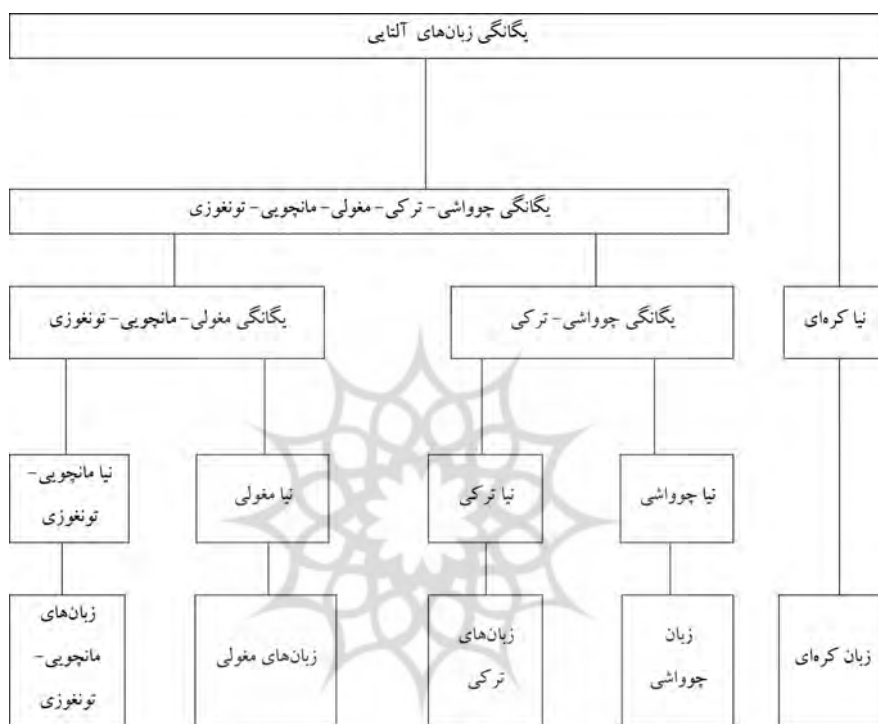
^۳ Nicolas Poppe

^۴ پوپه در زمینه زبان‌های آلتایی دو اثر مهم به زبان‌های آلمانی و انگلیسی نگاشته است. این آثار عبارت‌اند از:

Poppe, N (1960). Vergleichende Grammatik der Altaischen Sprachen I. Vergleichende Wiesbaden: Lautlehre.

Poppe, N. (1965). Introduction to Altaic linguistics. Wiesbaden: Otto Harrassowitz.

داشته‌است. وی بر این باور است که نزدیکی بین زبان‌های مغولی و مانچویی-تونغوزی بیش از شاخه‌های دیگر این خانواده زبانی است. نمودار پوپه (Poppe, 1965, p. 147) در مورد زبان‌های آلتایی به صورت زیر آورده شده‌است.



شکل ۲: نمودار زبان‌های آلتایی نیکلاس پوپه

زبان‌شناس آمریکایی جی. سی. استریت^۱ در اصلاح نظریه پوپه، زمان جدا شدن زبان کره‌ای را پیشتر از زبان فرضی نیا آلتایی می‌داند. به باور این زبان‌شناس، زبان کره‌ای قبل از ایجاد زبان آلتایی، از یک زبان فرضی به نام زبان آسیای شمالی جدا شده‌است (Poppe, 1965, p. 147). از پیروان سرسخت نظریه زبان‌های آلتایی در ترکیه می‌توان عثمان ندیم تونا^۲، احمد تمیر^۳ و طلعت تکین^۴ را نام برد. نگارش ده‌ها مقاله درباره زبان‌های آلتایی، طلعت تکین را به یکی از پیروان سرشناس نظریه زبان‌های آلتایی، تبدیل کرده‌است.

¹ J. C. Street

² Osman Nedim Tuna

³ Ahmet Temir

⁴ Talat Tekin

در صورت درست بودن نظریه زبان‌های آلتایی، زبان‌های گروه آلتایی مانند ترکی و مغولی در گذشته‌ای دور و تاریک از یکدیگر جدا شده‌اند. زبان‌شناسان دانش دقیقی از تاریخ این جدایی، ندارند. به باور رامستد، زبان مفروض آلتایی در حدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد منشعب شده‌است. لایوس لیگتی^۱ تاریخی بین دو تا سه هزار سال قبل از میلاد در نظر گرفته‌است. آندراس رونا - تاس^۲ (Róna-tas, 2013) هم تاریخ انشعاب زبان مفروض آلتایی را تاریخی مابین سه تا چهار هزار سال قبل از میلاد دانسته‌است (Róna-tas, 2013, p. 43).

به باور ایلچ سوتیچ^۳، بنیان‌گذار اصلی نظریه زبانی نوستراتیک^۴ (بر اساس این نظریه زبان‌های هند - اروپایی، آلتایی، اورالی، دراویدی، حامی - سامی و کارتولی از یک ریشه سرچشمه می‌گیرند). مشکل‌سازترین خانواده زبانی در این نظریه، زبان‌های آلتایی است. او بر این باور است ارتباط دو زبان متعلق به زبان‌های آلتایی [مانند ترکی و مغولی] نسبت به ارتباط دو زبان متعلق به یک خانواده زبانی دیگر [مثل فارسی و روسی متعلق به خانواده زبان‌های هند و اروپایی] دورتر و پیچیده‌تر است (Róna-tas, 2013, p. 34). بنابراین، از دیدگاه زبان‌شناسی، مغولی دانستن واژه ترکی و یا عکس آن، به مثابه روسی دانستن واژه فارسی و یا فارسی شمردن یک واژه روسی است.

۱. ۲. دیدگاه دوم

برخلاف پیروان نظریه زبان‌های آلتایی، برخی زبان‌شناسان نیز با این نظریه مخالفت کردند. زبان‌شناسانی مانند سِر جرارد کلاوسون^۵، گرهارد دورفر^۶، الکساندر میخایلوویچ شرباک^۷ از مخالفان جدی نظریه زبان‌های آلتایی هستند. مخالفان نظریه زبان‌های آلتایی همگی معتقدند که زبان‌های ترکی و مغولی متعلق به یک خانواده زبانی نیستند، اما در گذشته به سبب نزدیکی جغرافیایی و همچنین با هم زندگی کردن ترک‌ها و مغول‌ها در دوره‌های تاریخی خاصی، آن‌ها با یکدیگر ارتباط داشته‌اند. به باور این زبان‌شناسان، موارد مشترک میان این دو زبان، بیشتر پیامد تأثیر زبان ترکی بر مغولی بوده‌است. یکی از مهمترین دلایل این گروه از زبان‌شناسان در تأیید ادعای خود مبنی بر خویشاوند نبودن ترکی و مغولی، عدم تطبیق واژه‌های پایه در دو زبان ترکی و

¹ Lajos Ligeti

² András Róna-Tas

³ Иллич Свитыч (Iliç-Svitiç)

⁴ nostratic

⁵ Sir Gerard Clauson

⁶ Gerhard Doerfer

⁷ Александр Михайлович Щербак (Aleksandr Mihayloviç Şçerbak)

مغولی است (واژه‌های پایه در تعیین ارتباط‌های خویشاوندی بین زبان‌ها نقش اساسی دارند. فهرست صد کلمه‌ای که به وسیلهٔ زبان‌شناس آمریکایی موريس سواديش^۱ تنظیم شده است، امروزه با نام فهرست سواديش^۲ به وسیلهٔ بسیاری از زبان‌شناسان به کار گرفته می‌شود). در واقع، تغییر و یا وام‌گیری واژه‌های پایه (مانند اعضای بدن انسان، اعداد، فعل‌هایی مانند گفتن، دیدن، خوردن، آمدن) در بین زبان‌ها بسیار کم مشاهده شده است. گرهارد دورفر، در مقالهٔ خود به این مسئله پرداخته است. وی با بررسی ۱۶ واژهٔ پایهٔ مربوط به اعضای بدن انسان در بین خانواده‌های بزرگ زبانی مانند زبان‌های سامی، هند و اروپایی، دراویدی، اورالی و آلتایی به یافته‌های قابل توجهی دست یافت. از میان ۱۶ واژهٔ مورد اشاره، تعداد ۱۶ واژه در زبان‌های سامی، ۱۳ واژه در زبان‌های هند و اروپایی، ۱۰ واژه در زبان‌های دراویدی و ۸ واژه در زبان‌های اورالی مشترک بودند. هر چند هیچ‌یک از این ۱۶ واژهٔ پایه، در زبان‌های آلتایی مشترک نیستند (Doerfer, 1980, p. 12). سیر جرارد کلاوسون، هم علاوه بر اشاره به ناهمخوانی واژه‌های پایه در زبان‌های ترکی و مغولی، اشتراک‌های واژگانی بین این دو زبان را بیشتر پیامد ارتباط‌های زبانی می‌داند. وی معتقدست که بیشتر این واژه‌ها در سه دوره متفاوت از زبان ترکی وارد زبان مغولی شده است. به باور وی، نخستین گروه این واژه‌ها در سده‌های پنجم و ششم بعد از میلاد به وسیلهٔ یکی از شاخه‌های ترکی (وی این زبان را تاوگاچ^۳ می‌نامد) وارد زبان مغولی شده است. دوّمین دوره، فاصله زمانی بین قرن‌های هشتم و دوازدهم میلادی را شامل می‌شود. موج سوّم ورود واژه‌های ترکی به زبان مغولی نیز همزمان با لشکرکشی مغول‌ها به نواحی گوناگون، در اواخر قرن دوازده و اوایل قرن سیزده میلادی رخ می‌دهد (Clouston, 1962, p. 217-221).

بنابراین می‌توان گفت، اگر چه واژه‌های مشترکی در بین زبان‌های ترکی و مغولی وجود دارد، اما وجود واژه‌های مشترک دلیل هم‌ریشه بودن این زبان‌ها نیست. این وجه‌های مشترک، بیشتر در نتیجه مراددهای زبانی به وجود آمده است. بیشتر واژه‌های مشترک، بین زبان ترکی و مغولی و یا مغولی و تونغوزی-مانچویی دیده می‌شود، اشتراک واژگانی بسیاری میان ترکی و تونغوزی وجود ندارد. امروزه در غرب، نظریهٔ زبان‌های آلتایی همانند نیمه اول قرن بیستم پیروان سرسختی ندارد و بسیاری از زبان‌شناسان به ماهیت این نظریه تردید دارند. در این بخش، به مقایسه اعداد اصلی (واژه‌هایی که در تعیین خانواده‌های زبانی نقش اساسی دارد) بین زبان ترکی (ترکیه و آذربایجانی) و مغولی می‌پردازیم تا میزان اختلاف این دو زبان در واژه‌های پایه روشن تر گردد.

¹ Morris Swadesh

² Swadesh list

³ Tavgaç

جدول ۱: مقایسه اعداد اصلی در زبان ترکی و مغولی

TT	Bir	İki	Üç	Dört	Beş	Altı	Yedi	sekiz	Dokuz	On
AT	Bir	İki	Üç	Dört	Beş	Altı	Yeddi	Sökkiz	Doqquz	On
Mo.	Neg	Hoyor	Gurav	Döröv	Tav	Zurgaa	Doloo	naim	Yes	Arav

۲. واژه‌های ترکی و مغولی در منبع‌های فارسی

پس از مرور دو دیدگاه متفاوت در مورد ارتباط زبان‌های ترکی و مغولی در زمینه واژه‌های دخیل مغولی در زبان فارسی می‌توان گفت که این واژه‌ها، یا به شکل مستقیم از زبان مغولی وارد فارسی شده و یا پس از وارد شدن به زبان ترکی از طریق این زبان وارد فارسی گردیده‌است. از سوی دیگر، گاهی نیز ممکن است واژه‌ای هم زمان از زبان مغولی به زبان‌های ترکی و فارسی راه یابد. گاهی نیز واژه‌ای ابتدا از مغولی وارد فارسی شده، سپس از طریق فارسی به زبان ترکی راه یافته است. از دیدگاه عثمان ندیم تونا (Tuna, 1972)، واژه‌های مغولی مانند نوکر، نارین، مارال، کاکل به وسیله فارسی وارد زبان ترکی عثمانی شده‌است (Tuna, 1972, p. 246). گاهی هم واژه‌ای مانند بهادر ابتدا از ترکی وارد مغولی شده و سپس از طریق مغولی وارد زبان فارسی شده است (Clouston, 1962, p. 19). واژه مورد اشاره، در مغولی کلاسیک به صورت باگاتور /bagatur/ و در مغولی معاصر به شکل بآتار /bātar/ دیده می‌شود.

واژه‌هایی که از زبان مغولی به ترکی آذربایجانی و یا دیگر گویش‌های ترکی ایران راه یافته‌اند، کم نیستند. واژه‌هایی مانند یکه /yekə/ «بزرگ»، هوندور /hündür/ «بلند، بلند قد»، توخداماق /toxdamaq/ «بهبود یافتن (از بیماری)»، قیجیر /qəycir/ «عقاب»، جیلو /cilov/ «لگام، افسار»، نوخدا /noxda/ «افسار»، دالدا /dalda/ «مکان بی سروصدا، محل مخفی»، قایرغا /qabırğa/ «دنده، استخوان قفسه سینه»، شیلان /şilan/ «ضیافت، ولیمه» از جمله واژه‌هایی هستند که از زبان مغولی به ترکی آذربایجانی و همچنین دیگر گویش‌های ترکی در ایران راه یافته‌اند. در ترکی ترکیه، هم واژه‌های مغولی مشاهده می‌شود. واژه‌هایی مانند «کنگره، همایش» sayın «واژه‌ای که برای احترام همراه نام شخص بکار برده می‌شود، جناب، محترم»، «نیزه» şölen «جشن، ضیافت»، «گوزن ماده» از جمله واژه‌هایی هستند که از زبان مغولی وارد ترکی آناتولی شده‌است. از سوی دیگر، در زبان‌های دیگر ترکی به ویژه شاخه سبیری واژه‌های مغولی بسیاری دیده می‌شود.

در این بخش، به بررسی چند نمونه از واژه‌های ترکی و مغولی در فرهنگ‌واژگان سرشناس فارسی (دهخدا، معین، عمید) می‌پردازیم. چنانکه مشاهده خواهید نمود در تشخیص واژه‌های ترکی و مغولی از یکدیگر بین فرهنگ‌نویسان اتفاق نظر وجود ندارد. فرهنگ‌نویسان گاهی در

تعیین منشأ یک واژه از عبارت ترکیبی مغولی - ترکی استفاده کرده‌اند. با توجه به مواردی که در بالا اشاره شد، آوردن چنین عبارات ترکیبی برای روشن کردن اصل و ریشه یک واژه، از دیدگاه ریشه‌شناسی نادرست است. البته باید یادآور شد که نزدیکی جغرافیایی ترک‌ها و مغول‌ها و همچنین عدم آگاهی دقیق نگارندگان ایرانی از زبان‌های ترکی و مغولی در این زمینه بی‌تأثیر نبوده‌است.

در همه فرهنگ واژگان فارسی منشأ واژه *قراول* «نگهبان» ترکی آورده شده‌است. این در حالی است که این واژه ریشه‌ای مغولی دارد. منشأ این واژه در مغولی به صورت *قراغول* /qarağul/ «نگهبان» بوده که در زبان فارسی دچار تغییر آوایی شده‌است. واژه مورد اشاره، از فعل *قارا-* /qara- «نگاه کردن» و پسوند اسم ساز -*ğul* /-ğul/ ساخته شده‌است. این واژه از زبان مغولی وارد برخی زبان‌های ترکی نیز شده‌است. واژه *کاراکل* /karakol/ «پاسگاه، کلانتری» که در ترکی ترکیه مورد استفاده قرار می‌گیرد، نیز همین واژه مغولی مورد بحث است، اما تغییر معنایی پیدا کرده‌است. واژه *آلتون* «زر، طلا» در فرهنگ معین ترکی - مغولی، در دهخدا و عمید ترکی آورده شده‌است. این واژه نیز ریشه در زبان مغولی دارد. شکل این واژه در مغولی به صورت *آلتان* /altan/ «طلا» است. واژه مورد اشاره، در بیشتر زبان‌های ترکی به کار می‌رود. در فرهنگ‌های دهخدا و معین واژه *جلو* به عنوان واژه ترکی آمده‌است و در فرهنگ عمید منشأ این واژه مشخص نشده‌است. واژه مورد اشاره، مغولی است، *جلو* /cila'ũ/ در اصل به معنای «لگام، افسار» است که در فارسی دچار تغییر معنایی شده‌است. واژه مغولی «*قوریشای*» در فرهنگ عمید ترکی و در فرهنگ‌های دهخدا و معین، به صورت مغولی نوشته شده‌است. این واژه، اگر چه امروزه در ترکی ترکیه مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما از مغولی وارد ترکی عثمانی شده‌است. منشأ واژه *کنکاش* در فرهنگ‌های دهخدا و معین ترکی - مغولی و در فرهنگ عمید آورده نشده‌است. این واژه ترکی است و از ریشه فعل /keñeşmek/ «مشورت کردن، تفکر کردن» ساخته شده‌است. فعل /keñeşmek/ هم در متن‌های تاریخی ترکی و هم در بیشتر زبان‌های معاصر ترکی موجود است. واژه *قشلاق*، در لغت‌نامه دهخدا و معین ترکی - مغولی و در فرهنگ عمید ترکی نوشته شده‌است. این واژه ترکی از ریشه قیش /qış/ «زمستان» ساخته شده‌است که واژه مقابل آن *ییلاق* است که برگرفته از واژه یای /yay/ «تابستان» است. واژه *یرلیغ* «فرمان پادشاه» در دهخدا و عمید مغولی، در فرهنگ معین ترکی جغتایی آمده‌است. این واژه مغولی نیست و در بیشتر متن‌های تاریخی زبان ترکی مشاهده می‌شود. واژه ترکی *یراق* در فرهنگ معین مغولی، در دهخدا و عمید ترکی آمده‌است. این واژه نیز در بسیاری از متن‌های تاریخی ترکی مشاهده می‌شود. واژه‌های مانند *کشیک*،

جیران، مرال، شلتاق، یساول در فرهنگ واژگان فارسی به عنوان واژه‌های ترکی آمده‌اند اما همه این واژه‌ها در اصل مغولی هستند. هر چند تعداد این گونه نمونه‌ها را می‌توان افزایش داد، اما اشاره به چند نمونه برای ارائه مفهوم مورد نظر کافی به نظر می‌رسد.

اشتباه در تشخیص واژه‌های ترکی و مغولی به فرهنگ واژگان فارسی محدود نمی‌شود. در بسیاری از آثار فارسی هم این وضعیت قابل مشاهده است. برای نمونه، در کتاب سبک شناسی محمد تقی بهار واژه‌های ترکی مانند یراق، کنکاج، بلوک، یورت، قاپچی، ییلاق، قشلاق، قمچی، دومان، آذوغه به عنوان واژه‌های مغولی معرفی شده‌است (Bahar, 1958, p. 242) و یا در اثر تاریخ مختصر زبان فارسی از آغاز تا کنون نوشته خسرو فرشیدورد واژه‌های ترکی مثل الاغ، آذوقه، ایل، ایلچی، چریک، ییلاق، قشلاق، کنکاج، یرلیغ، یارغو، یراق، یاغی و یورش در فهرست واژه‌های مغولی قرار داده شده‌است (Farshidvard, 2008, p. 67).

به منظور تشخیص هر چه دقیق‌تر واژه‌های ترکی و مغولی، بهترین روش، مراجعه به مهمترین فرهنگ‌های ریشه‌شناسی ترکی^۱، مغولی و یا آثاری است^۲ که در این زمینه نوشته شده‌اند.

۳. بررسی نمونه‌ها

برای پی بردن به میزان اختلاف دو زبان ترکی و مغولی، اشاره به جمله‌های زیر روشن‌گر خواهد بود. در انتخاب جمله‌ها تلاش شده‌است از واژه‌های پایه‌ای استفاده شود. جمله‌های مغولی از کتاب دستور زبان مغولی نوشته یاووز کارتاللی اوغلو^۳ (Kartallioğlu, 2010, p. 120-129) گرفته شده‌اند. ترجمه ترکی (ترکیه و آذربایجانی) و فارسی این جملات نیز آورده شده‌است.

۱. مغولی: manai ger endees ih hol biş.

^۱ معتبرترین فرهنگ‌های ریشه‌شناسی ترکی، از این قرارند:

1. Clauson, S. G. (1972). *An Etymological Dictionary of pre-thirteenth-century Turkish*. Oxford: Clarendon Press.
2. Räsänen, M. (1969). *Versuch eines etymologischen Wörterbuchs der Türksprachen*. Helsinki: Suomalais-Ugrilainen Seura.
3. Sevortyan, E. V. (1974). *Etimoloģeskiy slovar' tyurksikiĥ yazıkov* (Этимологический Словарь Тюркских Языков), Moskva.
4. Tietze, A. (2002). *Tarihi ve Etimolojik Türkiye Türkçesi Lugati*, İstanbul: Simurg Yayınları.
5. Eren, H. (1999). *Türk Dilinin Etimolojik Sözlüğü*. Ankara: Bizim Büro Yayınları.
6. Gülensoy, T. (2007). *Türkiye Türkçesindeki Türkçe Sözcüklerin Köken Bilgisi Sözlüğü*. Ankara: Türk Dil Kurumu Yayınları.
7. Nişanyan, S. (2009), *Sözlerin Soyağacı - Çağdaş Türkçenin Etimolojik Sözlüğü*. İstanbul: Everest Yayınları.

^۲ یکی از منابع مهم تشخیص واژه‌های دخیل ترکی و مغولی در زبان فارسی اثر چهار جلدی گرهارد دورفر زبانشناس معروف آلمانی است:

Türkische und Mongolische Elemente im Neupersischen I-II-III-IV, Franz Steiner Verlag, Wiesbaden, 1963-1975.

^۳ Yavuz Kartallioğlu

۲. ترکی ترکیه: bizim evimiz buradan çok uzak değil.
۳. ترکی آذربایجانی: bizim evimiz buradan çox uzaq deyil.
۴. فارسی: خانه ما از این جا زیاد دور نیست.
۵. مغولی: ted üüniig sain bodog.
۶. ترکی ترکیه: onlar bunu iyi düşünsün.
۷. ترکی آذربایجانی: onlar bunu yaxşı düşünsün.
۸. فارسی: آن‌ها در مورد این خوب فکر کنند.
۹. مغولی: minii düü hoyor honogiin ömnö Turkees irsen.
۱۰. ترکی ترکیه: kardeşim iki gün önce Türkiye'den geldi.
۱۱. ترکی آذربایجانی: kiçik qardaşım (bacım) iki gün öncə Türkiyə'dən gəldi.
۱۲. فارسی: برادر کوچکم (خواهر کوچکم) دو روز پیش از ترکیه آمد.
۱۳. مغولی: övöl tsas orno.
۱۴. ترکی ترکیه: kışım kar yağar.
۱۵. ترکی آذربایجانی: qışda qar yağar.
۱۶. فارسی: در زمستان برف می‌بارد.

۴. نتیجه‌گیری

با توجه به نکته‌های اشاره‌شده، می‌توان گفت که در مورد خویشاوندی دو زبان ترکی و مغولی اتفاق نظری بین پژوهشگران وجود ندارد. گروهی این دو زبان را خویشاوند دانسته و در محدوده زبان‌های آلتایی ارزیابی می‌کنند. گروهی نیز با نپذیرفتن این نظریه، به هر دو زبان هویتی مستقل، قائل هستند. بر پایه آن‌چه درباره خویشاوندی زبان‌ها اشاره شد، واژه‌های پایه، نقش مهمی را در این زمینه بر عهده دارند. از آنجائیکه اشتراکات واژه‌های پایه در زبان‌های آلتایی نسبت به دیگر خانواده‌های زبانی بسیار اندک است، تردید در زمینه خویشاوندی زبان‌های ترکی و مغولی افزایش یافته‌است. در مورد مرادده‌های زبانی بین ترکی و مغولی می‌توان با اطمینان بیشتری سخن گفت، وجود واژه‌های مغولی در بیشتر زبان‌های ترکی و همچنین وجود واژه‌های ترکی بسیار در زبان مغولی تأییدی بر این ادعا است. بدون در نظر گرفتن خویشاوند بودن یا نبودن دو زبان ترکی و مغولی، در بیان منشاء واژه‌های دخیل ترکی و مغولی در زبان فارسی باید به مستقل بودن دو زبان مورد اشاره توجه نمود. همچنین در این زمینه، باید از آوردن عبارت ترکیبی ترکی - مغولی در

فرهنگ‌های فارسی پرهیز کرد. بهترین روش تشخیص واژه‌های ترکی از مغولی، آشنایی کافی با این زبان‌ها و مطالعه سیر تاریخی هر دو زبان است. همچنین، بررسی آثاری که در زمینه فرهنگ نویسی و ریشه‌شناسی دو زبان ترکی و مغولی در دانشگاه‌های معتبر اروپایی و آمریکایی نوشته شده‌اند، نیز کارگشا خواهد بود.

فهرست منابع

- بهار، محمد تقی (۱۳۳۷). *سبک‌شناسی*. چ ۲. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵). *لغت‌نامه*. چ ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عمید، حسن (۱۳۵۷). *فرهنگ عمید*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۷). *تاریخ مختصر زبان فارسی از آغاز تاکنون*. چ ۱. تهران: انتشارات زوار.
- معین، محمد (۱۳۸۴). *فرهنگ فارسی*. چ ۲. تهران: انتشارات راه رشد.

References

- Abullayev, Z. E. (1987). Azerbaycan-moğol dil ilişkileri. *Türk Dilleri Araştırmaları Yıllığı - Belleten*, 1-9.
- Amid, H. (1978). *Amid Dictionary*. Tehran: Amir Kabir Press [in Persian].
- Atalay, B. (2006). *Divanü lûgat-it-türk (dizin)*. Ankara: Türk Dil Kurumu Yayınları.
- Bahar, M. T. (1958). *Stylistics* (2nd ed.). Tehran: Tehran University Press [in Persian].
- Caferoğlu, A. (1954). Azerbaycan ve anadolu ağızlarındaki moğolca unsurlar, *Türk Dili Araştırmaları Yıllığı - Belleten*, 1-10.
- Clauson, S. G. (1962). *Turkish and mongolian studies*, Unnited Kingdom: The Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland.
- Clauson, S. G. (1972). *An etymological dictionary of pre-thirteenth-century Turkish*. Oxford: Clarendon Press.
- Dehkoda, A. A. (2006). *Dictionary* (First ed.). Tehran: Tehran University Press [in Persian].
- Doerfer, G. (1963-1975). *Türkische und mongolische elemente im neupersischen*. (4 Vol.s). Wiesbaden: Franz Steiner Verlag.
- Doerfer, G. (1980). Temel sözcükler ve altay dilleri sorunu (çev. semih tezcan). *Türk Dilleri Araştırmaları Yıllığı - Belleten*, 1-16.
- Ercilasun, A. B. (2008). *Türk dili tarihi*. Ankara: Akçağ Yayınları.
- Eren, H. (1999). *Türk dilinin etimolojik sözlüğü*. Ankara: Bizim Büro Yayınları.
- Farshidvard, Kh. (2008). *A short history of Persian language from the beginning to the present* (First ed.). Tehran: Zavvar [in Persian].
- Gül, B. (2015). Orta asyadan anadoluya moğol yayılımının dilsel sonuçları. *Türkbilgi*, 50, 187-200.
- Gülensoy, T. (2007). *Türkiye türkçesindeki türkçe sözcüklerin köken bilgisi sözlüğü*. Ankara: Türk Dil Kurumu Yayınları.
- Kartallıoğlu, Y. (2010). *Çağdaş moğolcanın grameri*. Ankara: Türk Kültürü Araştırma Enstitüsü.
- Lessing, F. D. (2003). *Moğolca-türkçe sözlük* (çev. günay karaağaç). Ankara: Türk Dil Kurumu Yayınları.
- Mo'in, M. (2005). *Mo'in dictionary* (2nd ed.). Tehran: Râh-e Roshd Press [in Persian].
- Nişanyan, S. (2009). *Sözlerin Soyağacı - Çağdaş Türkçenin Etimolojik Sözlüğü*. İstanbul: Everest Yayınları.

- Poppe, N. (1960). *Vergleichende Grammatik der Altaischen Sprachen I*. Vergleichende Wiesbaden: Lautlehre.
- Poppe, N. (1965). *Introduction to Altaic linguistics*. Wiesbaden: Otto Harrassowitz.
- Poppe, N. (2016). *Moğol yazı dilinin grameri*, (çev. günay karaağaç). Ankara: Türk Dil Kurumu Yayınları.
- Räsänen, M. (1969). *Versuch eines etymologischen Wörterbuchs der Türksprachen*. Suomalais-ugrilainen seura: Helsinki.
- Róna-tas, A. (2013). *An introduction to Turkology* “Türkolojiye giriş” (çev.: isa sarı). Ankara: Nobel Yayınları.
- Şçerbak, A. (1986). Türk-Moğol dil ilişkileri (dillerin birbirinden etkilenme ve birbirlerine karışma sorunu üzerine (çev.: leyla babatürk). *Sosyal Bilimler Dergisi*, 25, 9-32.
- Tekin, T. (2003). *Makaleler 1 altayistik* (haz.: emine yılmaz, nurettin demir). Ankara: Grafiker Yayıncılık.
- Tietze, A. (2002). *Tarihi ve etimolojik türkiye türkçesi lugati*. İstanbul: Simurg Yayınları.
- Tuna, O. N. (1972). Osmanlıcada moğolca ödünç kelimeler I. *Türkiyat Mecmuası*, XVII, 209-250.



The Relationship between Turkic and Mongolian Languages and Errors in Detection of Turkic and Mongolian Loan Words in Persian

Mehdi Rezaei¹

Received: 09/05/2017

Accepted: 23/06/2018

Abstract

In the past two centuries, the connection between languages has attracted the attention of researchers. Linguists have classified most world languages as large language families. Among these families, we can mention the Semitic, Indo-European, Dravidian, Uralic, and Altaic languages. In most cases, the kinship among the languages in a language family has been proven, but in some cases, there is only talk about a language family theory. The Altaic languages are among large language groups where there are disagreements about the connection between their members. There are two completely different standpoints about the Altaic languages. The first standpoint considers these two languages to be of the same root and language family in the framework of the Altaic languages. The second standpoint is based on the view that these two languages do not belong to a single language family and each language is a language independent from the other, this standpoint puts forward the argument of an interlanguage contact.

The proponents of the first standpoint have expressed their views in the format of the theory of Altaic languages. According to this theory, the Turkic, Mongolian, Tungusic-Manchu, and Korean languages, and in the opinion of some linguists the Japanese language as well, are all branches of a single common root language. Therefore, according to this theory, both Turkic and Mongolian languages are members of the same family of languages. These linguists believe that the Turkic and Mongolian languages were branched in a distant past from a single language and over time have gradually turned into two independent languages. Researchers do not have precise information on the history of the differentiation of these two languages, but the history of the split of the presumed Altaic languages is believed to date back to some time between three and four thousand BC. The most important evidence offered by this group of linguists for their claim that the Turkic and Mongolian languages belong to the same language family is the equivalency of

¹ PhD of Turkish Language and Literature, Department of Turkish Language and Literature, Faculty member of Allameh Tabataba'i University; mehdirezai@atu.ac.ir

“Z~R” and “SH (Š)~L” consonants in these languages. This means that in some words the equivalent of the consonant /Z/ in Turkic languages is the consonant /R/ in the Mongolian language, and also the consonant /Sh/ in Turkic is equivalent with /L/ in the Mongolian language.

But the linguists in the second group, that is the opponents of the theory of Altaic languages, believe that the two Turkic and Mongolian languages were not related, but have been in a deep linguistic relationship. These linguists believe that the Turkic and Mongolian languages do not belong to a language family, but in the past, they have been in a close relationship due to geographical proximity as well as the coexistence of the Turks and Mongols in a particular period of history. One of the most important reasons presented by this group of linguists, as an evidence for their claim that Turkic and Mongolian languages are not related is that basic words in the two Turkic and Mongolian languages are not equivalent. Based on the opinion of these linguists, changing or borrowing basic words like human body parts and numbers between these two languages is rarely seen. By reviewing 16 basic words related to human body parts, the German linguist Gerhard Doerfer found that none of the 16 basic words are common among the Altaic languages, whereas among the members of large family languages such as Semitic, Indo-European, Dravidian and Uralic languages a few of these words are common. Therefore, it can be said that although there are common words between Turkic and Mongolian languages, the presence of common words is not an evidence of these languages having the same root. These similar common features have been formed as a result of linguistic contact.

Many words have entered the Persian language from Turkic and Mongolian languages. Especially with the occupation of Iran by the Mongols, many words have entered the Persian and Turkic from Mongolian. By reviewing different Persian language sources, especially the dictionaries, we realize that Iranian scholars and lexicographers have made some mistakes in recognizing Turkic and Mongolian word such that there is no consensus among the lexicographers in recognizing Turkic and Mongolian words from each other. The lexicographers have sometimes used the compound term “Mongolian-Turkic” in identifying the origin of some words. According to the explanations given above, the use of such compound terms for clarifying the origin and root of a word is not etymologically correct. For example, in Persian dictionaries, the origin of words such as Jolo (front), Qarāvol (warden), Keshik (sentinel), Jeiran (gazelle), Maral (deer), Sheltaq (conflict), and Yasavol (mounted mace-bearer) have been mentioned as Turkic. However, all these words have Mongolian roots. Errors in identifying Turkic and Mongolian words is not limited to Persian dictionaries. This situation can be seen in many Persian works written in the field of literature. In this paper, the goal is to study the relationship between the Turkic and Mongolian languages in general and show the extent of the difference between these two languages from different aspects. In the end, to discover the extent of the difference between the two Turkic and Mongolian languages, some sample Mongolian sentences with their Turkic (Turkish and Azerbaijani) as well as Persian translations have been included.

Keywords: Turkic, Mongolian, Relationship between Turkic and Mongolian, Loan Words from Turkic and Mongolian in Persian